

بررسی عوامل اجتماعی موثر بر مشارکت زنان در سازمانهای غیردولتی (NGOs) در شهر تبریز

دکتر حمید پوریوسفی^۱ حبیبه بهاری^۲

چکیده

پژوهش حاضر علل و عوامل مؤثر بر مشارکت زنان را در سازمانهای غیردولتی به عنوان مسأله پژوهش مطرح نموده و با استفاده از روشهای علمی به بررسی و مطالعه عوامل مؤثر بر آن (مشارکت زنان در سازمانهای غیردولتی) می پردازد بر اساس فرمول تعیین حجم نمونه کوکران حجم نمونه آماری این پژوهش به تعداد ۳۷۰ نفر انتخاب گردید. نوع تحقیق و پژوهش کنونی از نوع توصیفی و روش تحقیق از نوع پیمایشی می باشد و روش نمونه گیری به منظور گردآوری داده های مورد نیاز درباره افراد جامعه در این تحقیق به طریق روش تصادفی است. که در آن نسبت زنان در مناطق شهرداریها با توجه به مناطق مرفه نشین و محروم نشین رعایت شود. ابزار جمع آوری اطلاعات این پژوهش پرسشنامه بوده است. که سعی در شناسایی وضعیت موجود و روابط حاکم بر متغیرهای دست کاری نشده دارد. تجزیه و تحلیل اطلاعات و دادههای مورد نیاز در پژوهش حاضر در دو بخش متمایز انجام گرفت. نتایج حاصل شده از تحقیق حاضر عبارتند از: - بین روحیه مشارکت زنان و سطح تحصیلات و وضعیت اقتصادی زنان و میزان اعتماد به نفس و خودباوری زنان و میزان مشارکت آنان در سازمانهای غیر دولتی رابطه وجود دارد. و رابطه بین پایگاه اجتماعی زنان و میزان مشارکت آنان در سازمانهای غیر دولتی مشاهده نگردید.

واژگان کلیدی: جامعه‌شناسی، خود باوری، مشارکت زنان، سازمانهای غیر دولتی (NGOs)

تاریخ پذیرش مقاله: ۱۳۸۸/۲/۲۵

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۸۷/۱۰/۱۰

۱- عضو هیات علمی گروه علوم اجتماعی دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران شمال (نویسنده مسئول)

۲- کارشناسی ارشد جامعه‌شناسی

مقدمه

بخش اعظم عقب ماندگی جوامع و رشد نایافتگی حیات جمعی، ماحصل غفلت تاریخی از عدم مشارکت زنان در امور اجتماعی، سیاسی و... است. لذا زیان این غفلت از زنان متوجه تمامی انسانها در طی حیات بشری شده است. بازماندن نیمی از بشر از حقوق و منزلتش و عدم مشارکت در امور اجتماعی عاملی شده است که رشد تمدن انسانی از تمام توان و ظرفیت محکمش در راستای ترقی و تعالی معطوف به عدالت اجتماعی و رشد و توسعه مطلوب باز بماند. چرا که زنان با حضور فعالانه خود در عرصه های اجتماعی، اقتصادی و سازمانهای جامعه پیشرفت و توسعه را برای کل بشریت به ارمغان می آورند به عبارت دیگر عدم مشارکت زنان در امور جامعه را می توان ظلم و اجحافی دانست که در شقوق مختلف به طور مستقیم و غیرمستقیم به تمامی بشر رفته است. امروزه که ما به ارزش انسانی خود و جایگاه والا و ارزشمند حقوق الهی - انسانی خویش بیشتر آگاه می شویم بهتر و عمیق تر درمی یابیم که تفکر غلط و مرد سالارانه تضعیف زن به عنوان نیمه بشر در طی حیات اجتماعی انسان چقدر به زیان وی بوده است. با احتمال بسیار قوی و نزدیک به یقین می توان گفت هر آینه اگر در طی تاریخ حقوق زن در حیطه های مختلف رعایت می شد و در تمام امور زندگی همانند مردان شرکت می نمودند تمدن بشری از رشد و غنای بیشتری برخوردار شده و هزینه کمتری برای بهبود کیفیت زندگی بشری و رنجهایش پرداخت شده و می شود. نگاه ابزارای و شیئی به زن به عنوان نیمه مکمل انسانی یکی از تاریکترین سابقه های تاریخ حیات بشر است که تمامی جنبه های حیات جمعی را در شئون مختلف زندگی تحت تأثیر قرار داده است.

بسیاری از مطالعات و تحقیقات انجام شده نشانگر این واقعیت تلخ می باشد که به رغم اهمیت و نقش بارز زنان در ابعاد و جوانب مختلف و نقش آنان در تحول، ایجاد زیرساختهای توسعه با چشم پوشی از نقش برجسته زنان، به عمل آمده است (عمادی، ۱۳۸۰، ص ۳۳).

این سؤال که چرا و چگونه بشر و خلاصه مردان حتی با باور مردسالاری برای ارتقای کیفیت حیاتی خود، جایگاه و منزلت واقعی زن را در طی تاریخ قدر ندانسته اند، جای شگفتی دارد. و این که چرا کمتر توانسته است تا بدین حد در غفلت تاریخی و تلخ خود، عامل عمده و مانع اساسی در پیشرفت و ترقی متعادل و عادلانه خویش شود جای پرسش بسیاری را باقی می گذارد.

با توجه به اینکه در جریان زندگی دشوار و پر قید و بند، زنان خود همواره بیش از مردان در معرض محدودیت گوناگون قرار داشته و دارند و بندرت این فرصت را پیدا می کنند که در امور جامعه خود مشارکتی فعال داشته باشند تا نیروی عظیم خویش را در توسعه و تغییرات اجتماعی به کار گیرند. این امر موجب شده تا شور و نشاط مشارکت در زنان از بین رفته و در اغلب آنها خود باوری به تحلیل رفته است و کمتر در امورات جامعه شرکت می نمایند. البته جای بسی خرسندی است که شرایط پیشین در حال تغییر است و زنان در عرصه های مختلف به آگاهی های لازم دست یافته و برای رسیدن به حقوق اجتماعی خود تلاش می کنند. و با حضور خود در عرصه های مختلف جامعه، از آن جمله در سازمانهای غیردولتی، در جهت رفع معضلات و کاستی های جامعه در کنار دولت و به عنوان مکمل طرح های توسعه ای ابراز وجود می نمایند. بدون شک بهبود وضعیت زنان و مشارکت آنها در سازمانهای غیردولتی نقش موثری در رشد و بلوغ اجتماعی بازی خواهد نمود چرا که هر فرد اعم از زن و مرد به دور از تعصبات نژادی و... می تواند عضو سازمانهای غیردولتی شوند و در اعتلای جامعه خود تلاش نمایند. چرا که سازمانهای غیر دولتی از طریق فراهم ساختن بسترهای ارتباط و مشارکت مردمی، قدرت دولت را محدود کرده زمینه گسترش تکثرگرایی را فراهم می سازد و از حقوق بشر حمایت می نماید (گلشن پژوه، ۱۳۸۱).

بیان مسأله

امروزه صاحب نظران سیاسی، اقتصادی و اجتماعی در این موضوع متفق القولند که دستیابی به رشد و توسعه پایدار بدون مشارکت سازماندهی شده و هدفمند گروه های مختلف مردم امکان پذیر نیست. در این راستا سازمانهای غیردولتی به دلیل ماهیت داوطلبانه و مستقل از اقبال گسترده ای در جلب مشارکت مردم برخوردارند از این رو دولت ها تلاش می نمایند تا با بهره گیری از استعدادها، توانمندی ها و ظرفیت های بالقوه سازمانهای غیردولتی در جهت اهداف توسعه ی کشور قدم بردارند بدیهی است یکی از اساسی ترین ابزار دستیابی به توسعه مشارکت و همکاری مردم در راستای مسئولیت پذیری و کاهش تصدی گری دولت می باشد و این مهم تحقق نمی یابد مگر در قالب تشکل های سازمان یافته. به عقیده بسیاری از صاحب نظران نیروی انسانی یکی از منابع اصلی توسعه است که شامل مجموعه افکار، عقاید، باورها، فرهنگ، دانش، و مهارت، و قدرت خلاقه کلیه افراد اعم از زن و مرد می باشد. و زنان، نه تنها نیمی از این منبع هستند بلکه از

دیرباز پرورش دهنده و هدایت کننده هر دو نیمه این منبع بوده اند فلذا قطعاً زنان در پی ریزی توسعه ابعاد انسانی نقش اساسی دارند که این نقش می تواند به صورت یک نقش مثبت به منصفه ظهور برسد

توانمندسازی زنان و تقویت خودباوری در آنها موجب به کارگیری توان بالقوه زنان، به کارگیری نیروهای کارآمد این قشر عظیم و نیز مانع از بین رفتن استعدادهای آنان خواهد شد. به نظر می رسد تشکل های غیردولتی و مشارکت زنان در آنها، فرصت مناسبی به زنان در عرصه های اجتماعی می دهد و زنان با حضور نیمه وقت خود و انجام کارهای داوطلبانه می توانند به رشد فکری و ارتقا توانایی های خود و جامعه بپردازند که اثرات مثبت آن در خانواده و جامعه غیرقابل انکار است. اما عوامل مختلفی میزان مشارکت زنان در سازمانهای دولتی و غیردولتی را کم رنگ می نمایند و یا آن را تحت الشعاع قرار می دهند و این امر به عنوان یک مسئله و مشکل در فرایند توسعه هر جامعه ای مطرح است و فلذا پژوهش حاضر علل و عوامل مؤثر بر مشارکت زنان را در سازمانهای غیردولتی به عنوان مسأله پژوهش مطرح نموده و قصد دارد با استفاده از روشهای علمی به بررسی و مطالعه عوامل مؤثر بر آن (مشارکت زنان در سازمانهای غیردولتی) بپردازد.

نقش زنان در عرصه اجتماع و ایفای نقش فعال در جامعه موجب تسریع در روند توسعه سیاسی، اقتصادی می باشد. چرا که زنان توانستند قابلیتها و توانائیهای خود را به خوبی نشان دهند. در زمینه مدیریتی حضور زنان در پستهای مدیریتی و دولتی چندان توسعه چشمگیری نداشته اند. به طور مثال طبق آمار در سال ۱۳۷۸ حضور زنان در پستهای مدیریتی و دستگاههای دولتی ۳ هزار و ۲۹ نفر معادل ۵/۲ درصد از کل مدیریت و سرپرستی دستگاههای دولتی بود و براساس همین آمار زنان ۱/۴ درصد از پستهای معاونت و ۱/۴ درصد از پستهای مدیریت کل و عناوین مشابه دستگاههای دولتی و اجرایی را به خود اختصاص داده اند (روزنامه خراسان، ۱۳۸۰، ص ۱۱).

و این بیانگر این است که میزان پستیهای را که زنان نسبت به مردان اشغال کرده اند کمتر است و این تنها به دلیل نبودن مهارت کافی نبوده بلکه باورهای سنتی مرتبط با این امر، موانع و مشکلاتی را در این زمینه بوجود آورده است.

جامعه ایران با گذشت نزدیک به یک سده شاهد تغییرات اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و فرهنگی است که در این امر موقعیت و جایگاه زنان تغییرات محدودی را به دنبال داشته است و

این تغییرات منجر به حضور فعالانه زنان در تمام عرصه‌های بنیادی و تأثیرگذار جامعه نشده است و از طرفی دیگر به تحول نقش زنان در خانواده نیز توجهی به عمل نیامده بطوریکه به تعبیر جامعه شناسایی چون آندره میشل از ظهور پدیده تازه‌ای تحت عنوان « فشار مضاعف زنان » می‌توان یاد کرد.

پس از گذشت چند دهه از مشارکت فعال زنان هنوز مشکلات و موانع متعددی بر سر راه مشارکت زنان وجود دارد. برخی از این موانع و مشکلات فرهنگی و اجتماعی بوده و ناشی از مناسبات اجتماعی حاکم می‌باشد و برخی دیگر نیز به طرز تلقی و نگرش منفی زنان نسبت به تواناییهای خود و عدم خودباوری و کمبود اعتماد به نفس آنها مربوط می‌گردد.

هدف پژوهش

هدف کلی این تحقیق عبارت است از بررسی عوامل اجتماعی موثر بر مشارکت زنان در سازمانهای غیر دولتی (NGOs) شهر تبریز در سال ۱۳۸۶

پیشینه مطالعاتی

- میرعابدینی، طه تحقیقی را با عنوان مشارکت زنان در تعاونیهای روستایی به انجام رسانده و به نتایج زیر رسیده‌اند: - مشارکت زنان روستایی در تعاونیها سه جنبه اقتصادی، اجتماعی و مدیریتی و مدیریت قابل توضیح است. - جنبه اقتصادی مشارکت به لحاظ رانت قیمتی کالاها و خدمات عرضه شده به اعضاء نسبت به دو جنبه دیگر ملموس تر است. به همین جهت در سالهای اخیر با توسعه سیاستهای خصوصی سازی و کاهش ارائه کالاها و خدمات فوق الذکر میزان مشارکت اقتصادی زنان در تعاونیها روند نزولی داشته است. - مشارکت مدیریتی زنان روستایی در تعاونیها عملاً برابر با صفر است. یعنی زنان هیچ نقشی در مدیریت تعاونیها ندارند. - از لحاظ اجتماعی نیز زنان روستایی مشارکت فعالی با تعاونیها ندارند. - از تلفیق سه بند فوق چنین بر می‌آید که زنان روستایی در مجموع مشارکت مؤثری در تعاونیها نداشته و میانگین کلی مشارکت آنان در تعاونیهای روستایی بدون اختلاف معنی داری برابر با صفر است. - مشارکت زنان در تعاونیهای روستایی در سطح شهرستانهای نمونه و حتی تعاونیها عملاً یکسان بوده است. - میانگین سواد زنان

روستایی بسیار پایین و در حد خواندن و نوشتن و تحصیلات دبستانی می‌باشد. این مسئله بر آگاهی زنان از تعاونی‌های روستایی تأثیر مستقیمی می‌گذارد (میرعابدینی، ۱۳۷۵، ص ۲۸۱).

تحقیقاتی در زمینه مشارکت اجتماعی و سیاسی زنان در سطح کشور انجام گرفته است که محقق در این پژوهش به ذکر چند مورد از آنها بسنده می‌کند و عبارتند از:

- «عوامل مؤثر بر مشارکت اجتماعی زنان» عنوان پایان‌نامه‌ای است که توسط آقای زیرک نژاد در سال ۱۳۷۷ انجام شده است. این پژوهش که در شهرستان تبریز با جامعه آماری زنان ۱۶ تا ۳۵ سال ارائه گردیده است، عوامل مختلفی را که بر مشارکت اجتماعی زنان مؤثر بوده را مورد سنجش قرار داده است. نتایج حاصله بدین شرح می‌باشد: بین عوامل سلطه نظام پدرسالاری، ارزشهای شایع اجتماعی، خودباوری، میزان تحصیلات با مشارکت اجتماعی زنان رابطه معنی‌داری مشاهده شده است.

- تحقیقی در زمینه بررسی عوامل فرهنگی و اجتماعی مؤثر بر میزان مشارکت اجتماعی زنان روستایی استان زنجان در سال ۱۳۸۱ انجام گرفته است. این پژوهش به همت آقای صفری شالی به اتمام رسیده است. جامعه آماری این تحقیق زنان روستایی ۱۵ سال به بالا در سطح استان زنجان می‌باشد که تعداد نمونه انتخابی برابر با ۵۰۰ نفر است. نتایج حاصله حاکی از این است که عواملی همچون پایگاه اقتصادی و اجتماعی، باورهای فرهنگی، روحیه مشارکت، گرایش به همکاری، بر مشارکت زنان روستایی مؤثر بوده است.

- تحقیقی با عنوان «ارزشها و نگرشهای ایرانیان» در زمستان سال ۱۳۸۲ زیر نظر وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی کشور انجام گرفت. جامعه آماری این تحقیق مردان و زنان ۱۵ سال به بالا در ۲۸ استان کشور می‌باشد. یکی از فصل‌های این تحقیق به میزان مشارکت اجتماعی اختصاص دارد که برای سنجش آن از شاخص «همکاری افراد با انجمن‌ها و اتحادیه‌ها» استفاده شده است. نتایج به دست آمده حاکی از این است که بین جنس، سن، میزان تحصیلات، وضعیت اشتغال و وضعیت تأهل با متغیر مشارکت اجتماعی رابطه معنی‌داری مشاهده گردید.

بر طبق تحقیقات ذکر شده و نتایجی که از این پژوهشها بدست آمده است. این نکته را بیان می‌دارد که میزان مشارکت اجتماعی زنان نسبت به مردان از سطح پایین تری برخوردار می‌باشد و

همچنین عواملی را که بر این امر مؤثر بوده اند عبارت بودند از پایگاه اقتصادی و اجتماعی، وجود باورهای فرهنگی در زمینه مشارکت زنان، نفوذ مرد سالاری، شیوه سکونت، و وضعیت تأهل.

چهارچوب نظری

دیدگاه های نظری درباره مشارکت اجتماعی از دیرباز تاکنون مشارکت مردم در جامعه، علل و عوامل مؤثر بر آن، و همچنین اثرات و نتایج مشارکت در امور جامعه، دغدغه فکری صاحبان اندیشه و متفکران اجتماعی بوده است. چنان که بسیاری از آنان به تألیف نظرات خود در این مورد پرداخته اند. هر چند در این مقال فرصت نگارش همه آنها وجود ندارد، ولی به ذکر مختصری در این باب اکتفا میشود.

از زمان ارسطو تا جان دیویی بسیاری از فلاسفه اجتماعی، مشارکت مردمی را همچون منبعی از انرژی اخلاق و حیاتی و ابزار برای مبارزه با حکومتستمرگرا نه دانسته و از آن به عنوان وجه قانونی خود جمعی، تجلیل و ستایش کرده اند (طوسی، ۱۳۷۵، ص ۱۰۸).

از اوایل نیمه دوم قرن بیستم میلادی نیز، توجه اندیشمندان سیاسی و اجتماعی به امر مشارکت مردم در امور اجتماعی و سیاسی و نیز اقتصادی جلب گردید. این توجه بعد از شکست برنامه های اقتصادی و در پی اندیشه توسعه (اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی) به صورت مدون و نظری ارائه شد.

به طور کلی میتوان گفت که در مورد مشارکت اجتماعی دو نوع رهیافت کلی وجود دارد: در یک سنت کلی نظری، مشارکت در اجتماع، صرفاً وسیله ای برای تحقق اهداف دیگر در نظر گرفته میشود. به این معنی که هدف اصلی دستیابی به فایده های اقتصادی یا کسب منزلت بالاتر اجتماعی - اقتصادی یا قدرت است. اما سنت فکری دوم، در برگیرنده نظریه هایی است که به اعتقاد دارند. در این نظریه ها، مشارکت در فعالیت « امر اجتماعی » اصالت عمل اجتماعی ۴ و اهمیت اجتماعی، فی نفسه هدف محسوب می شود و از طریق آن توانایی ها و خلاقیت های انسان به عنوان موجودی. (عقلانی و ارتباط جو فعلیت می یابد (رضایی، ۱۳۷۵، ص ۵۴). با لحاظ این دو نوع رهیافت، باید عنوان شود که در تحقیق حاضر، رهیافت دوم دیدگاه مشارکت اجتماعی مورد نظر است. یعنی در این تحقیق، مشارکت به عنوان یک هدف فی نفسه (متغیر وابسته) مورد بررسی قرار می گیرد و عوامل مؤثر بر آن (متغیرهای مستقل) به عنوان یک راهنما، در جهت شناخت هر چه

بیشتر این موضوع به کار برده می‌شوند؛ و در این باب سعی میشود تا به این سؤال، پاسخ نظری و تبیینی داده شود: چرا مشارکت افراد در امور اجتماعی متفاوت از همدیگر است؟ پاسخی که در این تحقیق اثبات یا رد آن مورد ارزیابی واقع می‌شود، به نظریه‌هایی مربوط است که منشاء وبری دارند، یعنی در آن بر نظام باورها، گرایش‌ها و اندیشه‌ها تأکید می‌شود (روشه، ۱۳۷۰، ص ۲۱). مطابق مفروض اصلی این نظریه‌ها، کنش، برخاسته از وجوه فرهنگی و تحت تأثیر عناصر گوناگون آن است، لذا تصور و پنداشت کنشگر، در نوع رفتار او مؤثر است (علوی تبار، ۱۳۷۹، ص ۴۰). از آنجا که در تحقیق حاضر، مشارکت اجتماعی به عنوان کنشی اجتماعی در نظر گرفته شده، و نیز با توجه به این که واحد اندازه‌گیری مشارکت، کنش متقابل است (موکی یلی، ۱۳۷۰، ص ۱۱۷).

مشارکت از دیدگاه‌های مختلف

در بررسی و تبیین پدیده مشارکت دیدگاه‌ها و مکاتب مختلفی وجود دارد که اندی شمندان این مکاتب جامعه‌شناختی و روان‌شناختی بدان پرداخته‌اند. در این پژوهش جهت تبیین پدیده مشارکت اجتماعی زنان از نظریات پارسونز، رندل کالینز، جانن چافتز، کارول گیلیگان و تئوریهای فمینیستی استفاده خواهیم کرد. با توجه به این که تئوریها و نظریه‌های متفاوتی در زمینه مشارکت وجود دارد، به دلیل محدودیت، امکان شرح و توصیف همه تئوریها مقدور نمی‌باشد، لذا به همان تئوریهای اشاره شده بسنده می‌کنیم و در ادامه به تشریح چارچوب نظری تحقیق خواهیم پرداخت. مشارکت با توجه به ملاک و معیارهای مختلف به انواع متفاوتی تقسیم می‌گردد.

۱- مشارکت بر مبنای ماهیت مشارکت مردم: بر مبنای این معیار مشارکت به مشارکت طبیعی، مشارکت خودانگیخته (خود جوش)، مشارکت داوطلبانه (مشارکت آگاهانه) و مشارکت برانگیخته (این نوع مشارکت با اهداف خاص توسط گروهی خارج از گروه مشارکت‌کننده انجام می‌گیرد) تقسیم می‌گردد.

۲- مشارکت بر مبنای موضوع و عرصه اعمال مشارکت: با توجه به این معیار مشارکت به موارد زیر تقسیم می‌گردد:

الف) مشارکت اقتصادی: که منظور از این نوع مشارکت عبارت است از درگیر شدن افراد در تصمیم‌گیریهای مربوط به تخصیص منابع اقتصادی و مالی جامعه می‌باشد و همچنین فعالیت افراد برای تولید کالا و خدمات به منظور رسیدن به توسعه اقتصادی جامعه را نیز در بر می‌گیرد.

ب) مشارکت سیاسی: فرآیندی است مبتنی بر حضور آگاهانه و فعال افراد به عنوان اعضای جامعه و نظام در صحنه‌های سیاسی جامعه و ایفاء نقش یا نقشهای اجتماعی محوله، و همچون در تبیین وضعیت مشارکت سیاسی گفته‌اند در یک فرهنگ سیاسی مشارکتی، اعضای اجتماع، درصد م‌ی‌باشند که صریحاً به سوی نظام، به عنوان کل و به سوی ساختارهای سیاسی و اداری در روندها گرایش پیدا کنند (زیرک نژاد، ۱۳۷۶، ص ۷۱).

ج) مشارکت اجتماعی: مشارکت اجتماعی دخالت بر گسترش روابط بین گروهی در قالب انجمنهای داوطلبانه، باشگاهها، اتحادیه‌ها و گروههایی دارد که معمولاً خصلتی محلی و غیردولتی دارند. که سیاستهای اجتماعی مشارکت و درگیر ساختن مردم در فرآیندهای اجتماعی مختلف را هدف خود می‌دانند. تعدد و گستردگی سازمانهای محلی و غیردولتی در یک جامعه شاخص و بیانگر وجود مشارکت اجتماعی در آن جامعه است. تا جایی که جامعه مدنی به واسطه بسط و گستردگی مشارکتهای اجتماعی و نهادهای مدنی تعریف می‌شود. در تعریفی دیگر از مشارکت اجتماعی باید گفت که شرکت کم و بیش فعال و آشکار در حیات اقتصادی، گذراندن اوقات فراغت، فرهنگ تقبل مسئولیتهای مدنی مشارکت اجتماعی نامیده می‌شود (صفری، ۱۳۸۱، ص ۴۷).

د) مشارکت روانی: مشارکت روانی در قالب ایجاد تغییر و دگرگونی در ذهنیتها و شکستن عقاید نامناسب و شرکت در عمل جمعی مشترک که گرایش و آمادگی روانی لازم را برای کنش جمعی فراهم می‌نماید (صفری، ۱۳۸۱، ص ۴۸).

تئوری متغیرهای الگویی پارسونز

مکاتب موجود با توجه به چشم اندازهای مختلف پدیده مشارکت را در جامعه تعبیر می‌کند، ساخت‌گرایی مشارکت زنان را در ارتباط با کلش ناخست در نظر می‌گیرد و کارکردگرایی به مشارکت زنان در جامعه و نهادهای اجتماعی تأکید می‌کند و مکتب تضاد مشارکت اجتماعی زنان را در قالب روابط طبقاتی و ستیز میان گروهها توجه دارند.

دیدگاه‌های فرهنگی جنبه‌های پویایی مشارکت را بر حسب ایجاد تغییرات در ساخت هنجاری جامعه بویژه مجموعه‌ای از ارزشها که مانع و یا مشوق مشارکت اجتماعی می‌شوند بررسی می‌کنند، لذا با توجه به هدف این تحقیق که بررسی عوامل مؤثر بر مشارکت زنان می‌باشد و همچنین با توجه به این که عوامل فرهنگی نیز در مشارکت زنان نقش بسزایی را ایفاء می‌کند، پس برای شناخت عوامل فرهنگی از متغیرهای الگویی پارسونز که بر ارزشهای فرهنگی تأثیرگذار بر نقش مشارکتی افراد تأکید می‌کند سود خواهیم برد. در واقع پارسونز با طرح مقوله انتخاب ارزشها یا همان متغیرهای الگویی تلاش می‌کند با تئوریزه کردن فرهنگ به منزله حوزه یا نظامی مستقل نهادهای فرهنگی و اجتماعی را از یکدیگر متمایز می‌سازد. او استدلال می‌کند که سیستم ارزشی مشترک پیش شرطهای لازم را برای انسجام اجتماعی را فراهم می‌آورد و نیز استدلال می‌کند که ارزشهای فرهنگی عناصر هنجاری عالی هستند و نه ارزشهای اجتماعی که باید به روشنی از آنها بیان شوند بنابراین فرهنگ به عنوان یک سیستم نمادین معنا دار هم رفتار انسان را و هم نتایج حاصله. (از آنها را شکل می‌دهد (صفری، ۱۳۸۱، ص ۵۵). متغیرهای الگویی دو شیوه متفاوت جهت گیری ارزشی نقش است که از فرد انتظار می‌رود در هر نظام اجتماعی ایفا کند. به عبارتی این متغیر دلالت بر الگوهای ارزشی متفاوت حاکم بر رفتار فرد در ارتباط با دیگران دارند. این جهت گیریهای ارزشی راهنمای عمل افراد در هر موقعیتی محسوب می‌شوند که در هر کنش یا رفتاری نهفته است.

آگاهی از کم و کیف آنها مشخص می‌کند که افراد در تعامل با هر وضعیت اجتماعی چگونه عمل خواهند کرد. مضمون و محتوای جهت گیری ارزشی، سمت و سوی عمل افراد را در موقعیت مشخص می‌کند، پارسونز معتقد است که جهت گیری ارزشی آن جنبه‌هایی از تمایلات کنشگر است که او را به رعایت هنجارها برای انتخاب در یک موقعیت محتمل معتقد می‌سازد موقعیتی که فرد ناگه زیر است از میان اهداف و وسایل مختلف دست به انتخاب بزند.

بنابراین جهت گیری ارزشی در موقعیتهایی معنا پیدا می‌کند که فرصت انتخاب برای فرد وجود داشته باشد و فرد بتواند از میان جایگزینهای مختلف یکی را برگزیند. در چنین موقعیتی جهت گیری ارزشی به معنای تعهد فرد به رعایت قواعد و هنجارهای معینی است که او را در انتخاب جایگزین راهنمایی می‌کند.

باید متذکر شد که مضمون جهت گیریهای ارزشی و متغیرهای الگویی را که پارسونز مطرح کرده سه نکته را یاد آوری میکند:

۱- این که این متغیرها و جهت گیریهای ارزشی جنبه عام داشته و برای کلیه کنشها می تواند به کار گرفته شود و تنها مضمون مشارکت را در بر نمی گیرد. بلکه کلیه کنشهایی را که فرد در تعامل قرار می گیرد را می توان با این جهت گیریهای ارزشی تبیین کرد.

۲- از آنجا که پارسونز معتقد است که جهت گیریهای ارزشی در سطح شخصیتی و فردی و فرهنگی و اجتماعی را نیز در بر می گیرد. در این تحقیق منظور از جهت گیری ارزشی تنها جنبه های فردی را در بر میگیرد.

متغیرهای الگویی پارسونز ۵ شکل از روابط را در جامعه ابتدایی و مدرن مشخص می کند و هر متغیر الگویی نمایشگر یک رابطه با دو راه حل است که فرد کنشگر باید یکی از آنها را انتخاب نماید. از آنجا که در این تحقیق تنها بر یک جنبه این ۵ شکل تأکید شده است پس از توضیح مختصر در مورد سایر اشکال این روابط، به طور مفصل و مشروح جهت گیری ارزشی فردگرایی و جمع گرایی ارائه می گردد.

۱- جهت گیری ارزشی محول در مقابل محقق: پارسونز نام دیگر این دو وضعیت را کیفیت در مقابل جنبه عملی کارها مطرح می کند. در جوامع ابتدایی رابطه فرد با دیگران بر مبنای آنچه هستند تعیین می شود یعنی براساس کیفیتهای داده شده مثل سن، جنس، و نژاد و در جوامع مدرن رابطه فرد با دیگران بر مبنای تواناییهای عملی انجام امور است.

۲- جهت گیری ارزشی پراکندگی در مقابل ویژه: منظور حوزة تقاضا یا مسئولیتها در یک نوع رابطه است.

اگر تعداد و نوع تقاضا یا مسئولیتها پراکنده باشد آن رابطه از نظر کارکردی پراکنده است. در این نوع جهت گیری، روابط براساس جنبه های کارکردی آن مورد توجه قرار می گیرد.

۳- جهت گیری ارزشی عاطفی در مقابل خنثی: در این وضعیت انتظار رضامندی احساسی عمل کننده مدنظر است. یعنی این کنشگر پس از ارزیابی دو موقعیت که یکی بار عاطفی و دیگری بار خنثی دارد، به انتخاب یکی می پردازد.

۴- جهت‌گیری ارزشی خاصگرا در مقابل عامگرا: در این وضعیت روابطی که براساس رابطه فردی و خاص برقرار می‌شود. پارسونز معتقد است که این نوع جهت‌گیری در جوامع ابتدایی قابل مشاهده است و گاهی تعمق به گروه خاص منبای برقراری رابطه می‌شود اما زمانی که روابط براساس هنجارهای کلی موجود در جامعه باشد با جامعه مدرن مواجه هستیم.

۵- جهت‌گیری ارزشی جمع‌گرا در مقابل فردگرا: آنچه در این موقعیت مهم به نظر می‌رسد منافع فردی و منافع جمعی است؛ در جمع‌گرایی زیر بنا و بستر لازم برای انجام کنشهای جمعی از جمله مشارکت اقتصادی و اجتماعی را فراهم می‌آورد. سوءگیری رقیب و متضاد جمع‌گرایی، فردگرایی است و تبعاً آغاز هر یک از این سوءگیریها به نتایج متفاوتی می‌انجامد. حالت نخست تمایل فرد به جمع یا جمع‌گرایی و در حالت دوم تمایل فرد به فردگرایی را نشان می‌دهد. سوءگیری جمع‌گرایی میل به کنشهای جمعی را تقویت می‌کند و چنانچه این سوءگیری معطوف به جامعه کلی یا اجتماع ملی باشد، در آن صورت، مناسبات اجتماعی در جهت تأمین اهداف و مصالح ملی یا خیر جمعی فعال می‌گردد.

جمع‌گرایی با نشانه‌های اخلاقی از قبیل دگرخواهی و نوع دوستی در مناسبات اجتماعی ظاهر می‌شود در جوامع ابتدایی، جهت‌گیری وفاداری غالباً به سمت جمع است مانند خانواده یا اجتماع قبیله‌ای، و از مردم خواسته می‌شود که منافع شخصی خود را به خاطر انجام تعهدات جمعی فدا کنند. این تأکید بر جمع‌گرایی خود وسیله‌ای است جهت جلوگیری از بی‌ثباتی اجتماعی ناشی از نوآوری، ابتکار و خلاقیت‌های فردی.

برعکس در جوامع مدرن خویشتن‌گرایی مورد تأکید قرار دارند مانند تشویق هر فرد بر این که شخصیت متمایز خود را به کار برد در هر موقعیتی که قرار دارد خود زندگی خویش را بنا نماید. این گونه تأکید بر فردگرایی موجب تقویت فردی گردیده و نتیجه‌ای مانند نوآوری فنی و افزایش بهره‌وری اقتصادی را به همراه دارد (ممتاز، ۱۳۸۰، ص ۱۱).

روش تحقیق

روش تحقیق در پژوهش حاضر روش پیمایشی می‌باشد که سعی در شناسایی وضعیت موجود و روابط حاکم بر متغیرهای دست‌کاری نشده دارد.

آزمودنیها و جامعه نمونه

جامعه آماری تحقیق حاضر عبارت از کلیه زنان بیست سال الی ۶۰ سال شهر تبریز می باشد بر اساس فرمول تعیین حجم نمونه کوکران و با در نظر گرفتن موارد زیر حجم نمونه آماری این پژوهش به تعداد ۳۷۰ نفر انتخاب گردید.

روش نمونه گیری به منظور گردآوری داده های مورد نیاز درباره افراد جامعه در این تحقیق به طریق روش تصادفی نسبی می باشد. که در آن نسبت زنان در مناطق شهرداریها با توجه به مناطق مرفه نشین و محروم نشین رعایت شود .

ابزارهای اندازه گیری

ابزار جمع آوری اطلاعات در این پژوهش پرسش نامه محقق ساخته است در تنظیم سؤالات پرسش نامه دقت لازم بعمل آمده تا هر یک از سؤالات آن یکی از جنبه های فرضیه های این پژوهش را مورد اندازه گیری قرار دهند. تجزیه و تحلیل اطلاعات و داده های مورد نیاز در پژوهش حاضر در دو بخش متمایز انجام خواهد گرفت. الف: بخش توصیفی: در این بخش با استفاده از آمارهای توصیفی فراوانی، درصد در زمینه هر کدام از سؤالات مطرح شده در پرسشنامه بحث شده است. ب: بخش استنباطی: در این بخش از تجزیه و تحلیل اطلاعات با استفاده از آزمونهای آزمون همبستگی پیرسون و تحلیل واریانس به بررسی معنی دار بودن فرضیه ها پرداخته شده.

فرضیه های تحقیق

- بین روحیه مشارکت زنان و میزان مشارکت آنان در سازمانهای غیر دولتی رابطه وجود دارد .
- بین پایگاه اجتماعی زنان و میزان مشارکت آنان در سازمانهای غیر دولتی رابطه وجود دارد .
- بین میزان مشارکت زنان در سازمانهای غیر دولتی با توجه به سطح تحصیلات آنان تفاوت وجود دارد .
- بین وضعیت اقتصادی زنان و میزان مشارکت آنان در سازمانهای غیر دولتی رابطه وجود دارد.
- بین میزان اعتماد به نفس و خودباوری زنان و میزان مشارکت آنان در سازمانهای غیر دولتی رابطه وجود دارد .

یافته های تحقیق

مربوط به مشارکت در سازمانهای غیردولتی

اطلاعات مندرج در جدول شماره (۱) ۸ درصد آزمودنی ها در حد زیاد و بسیار ۱/ ۲۰/۴ نشان می دهد که ۳۸/۱۱ درصد آزمودنی ها در حد متوسط و ۴/ زیاد در سازمانهای آموزشی - فرهنگی مشارکت دارند، ۳۵/۶ درصد ۱/ ۳۴/ درصد آزمودنی ها در حد بسیار زیاد در سازمانهای اقلیت های مذهبی مشارکت دارند، ۱ اقلیت های مذهبی مشارکت دارند، ۵۱ درصد آزمودنی / آزمودنی ها در حد خیلی کم و کم در سازمانهای سیاسی - اجتماعی مشارکت دارند، ۹۱ درصد آزمودنی ها در حد زیاد در سازمانهای خیری ه - فرهنگی مشارکت دارند، /ها در حد متوسط و ۷/۲۵۲ درصد آزمودنی ها در حد خیلی کم و کم در سازمانهای بین المللی مشارکت دارند، ۳۳ درصد، ۴/۴۲ درصد آزمودنی ها در حد زیاد در سازمانهای انتشاراتی - صنفی مشارکت / آزمودنی ها در حد متوسط و ۷ دارند، بقیه موارد برای مطالعه در جدول زیر آورده شده است.

جدول شماره (۱) اطلاعات توصیفی مربوط به مشارکت در سازمانهای غیردولتی

شرح	بسیار کم		کم		متوسط		زیاد		بسیار زیاد	
	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد
سازمانهای آموزشی - فرهنگی	۲۱	۷/۵	۵۳	۳/۱۴	۱۹۰	۴/۵۱	۷۶	۵/۲۰	۳۰	۱/۸
سازمانهای اقلیت های مذهبی	۷۸	۱/۲۱	۱۰۷	۹/۲۸	۱۴۳	۶/۳۸	-	-	۴۲	۴/۱۱
سازمانهای سیاسی - اجتماعی	۱۲۶	۱/۳۴	۱۳۰	۱/۳۵	۱۱۴	۸/۳۰	-	-	-	-
سازمانهای خیری ه - فرهنگی	۷۷	۸/۲۰	۷۰	۹/۱۸	۱۸۹	۱/۵۱	۳۴	۲/۹	-	-
سازمانهای بین المللی	۱۵۷	۴/۴۲	۹۵	۷/۲۵	۹۷	۲/۲۶	۲۱	۷/۵	-	-
سازمانهای انتشاراتی - صنفی	۹۵	۷/۲۵	۱۳۲	۷/۳۵	۱۲۲	۳۳	۲۱	۷/۵	-	-
شوراهای محلی یا دیگر شوراها	۱۵۵	۹/۴۱	۲۱	۷/۵	۱۹۴	۴/۵۲	-	-	-	-
انجمن اولیاء و مربیان یا دیگر انجمنهای مانند آن	۱۵۵	۹/۴۱	۲۱	۷/۵	۱۲۲	۳۳	۷۲	۵/۱۹	-	-
شوراهای محلی	۱۵۵	۹/۴۱	۴۲	۴/۱۱	۱۰۱	۳/۲۷	۱۷	۶/۴	۵۵	۹/۱۴
انجمن های هنری و ادبی	۳۸	۳/۱۰	۷۳	۷/۱۹	۱۹۴	۴/۵۲	۳۵	۵/۹	۳۰	۱/۸
انجمن های ورزشی و تفریحی	۸۱	۹/۲۱	۱۷	۶/۴	۱۷۴	۴/۷	۶۳	۱۷	۳۵	۵/۹
انجمن های اسلامی	۱۵۱	۸/۴۰	۳۸	۳/۱۰	۱۲۶	۱/۳۴	-	-	۵۵	۹/۱۴
انجمن های علمی	۸۵	۲۳	۹۴	۴/۲۵	۹۸	۵/۲۶	۶۳	۱۷	۳۰	۱/۸
پایگاه بسیج	۱۵۵	۹/۴۱	۵۱	۸/۱۳	۹۲	۹/۲۴	۵۵	۹/۱۴	۱۷	۶/۴
هیات های مذهبی	۱۱۷	۶/۳۱	۵۱	۸/۱۳	۱۲۶	۱/۳۴	۲۵	۸/۶	۵۱	-
سایر انجمن یا سازمانهای غیردولتی که در این جدول نامده اند	۸۰	۶/۲۱	۳۸	۳/۱۰	۲۵۲	۱/۶۸	-	-	-	-

۴۱ بررسی عوامل اجتماعی موثر بر مشارکت زنان در سازمانهای غیردولتی

فرضیه شماره یک: بین روحیه مشارکت زنان و میزان مشارکت آنان در سازمانهای غیر دولتی رابطه وجود دارد.

نتایج بدست آمده از اجرای آزمون همبستگی پیرسون در جدول زیر نشان می دهد میزان ضریب همبستگی بین دو متغیر یاد شده رقمی معادل با $p = / ۲۷۱$ است و سطح اعتبار حاصله برابر با $p = / ۰۰۱$ می باشد. فلذا با توجه به اینکه مقدار سطح اعتبار بدست آمده از مقدار $۰/۰۵$ کوچکتر می باشد. لذا می توان نتیجه گرفت که فرض اصلی فرضیه شماره یک تایید می شود و فرض صفر آن رد می شود. به عبارت دیگر بین روحیه مشارکت زنان و میزان مشارکت آنان در سازمانهای غیر دولتی رابطه وجود دارد.

جدول شماره (۲) اطلاعات توصیفی آزمون همبستگی پیرسون مربوط به رابطه بین روحیه مشارکت زنان با مشارکت در سازمانهای غیر دولتی

شرح متغیر	میانگین	انحراف استاندارد	ضریب همبستگی	سطح اعتبار
مشارکت در سازمانهای غیر دولتی	۳۶	۱۸/۶	/۲۷۱	/۰۰۱
روحیه مشارکت	۵۸۷	۱۱/۰		

فرضیه شماره ۲: بین پایگاه اجتماعی زنان و میزان مشارکت آنان در سازمانهای غیر دولتی رابطه وجود دارد.

نتایج بدست آمده از اجرای آزمون همبستگی پیرسون در جدول زیر نشان می دهد میزان ضریب همبستگی بین دو متغیر یاد شده رقمی معادل با $p = / ۲۶۸$ است و سطح اعتبار حاصله برابر با $p = / ۰۵۸$ می باشد. فلذا با توجه به اینکه مقدار سطح اعتبار بدست آمده از مقدار $۰/۰۵$ بزرگتر می باشد. لذا می توان نتیجه گرفت که فرض اصلی فرضیه شماره دو رد می شود به عبارت دیگر بین پایگاه اجتماعی زنان و میزان مشارکت آنان در سازمانهای غیر دولتی رابطه معنی داری وجود ندارد.

جدول شماره (۳) اطلاعات توصیفی آزمون همبستگی پیرسون مربوط به رابطه بین پایگاه اجتماعی زنان با مشارکت در سازمانهای غیر دولتی

شرح متغیر	میانگین	انحراف استاندارد	ضریب همبستگی	سطح اعتبار
مشارکت در سازمانهای غیر دولتی	۳۶	۱۸/۶	/۲۶۸	/۰۵۸
پایگاه اجتماعی	۷۸/۷	۲۹/۲		

فرضیه شماره ۳: بین میزان مشارکت زنان در سازمانهای غیر دولتی با توجه به سطح تحصیلات آنان تفاوت وجود دارد .

موضوع فرضیه شماره ۳ این پژوهش در خصوص وجود تفاوت معنی دار بین میزان مشارکت زنان در سازمانهای غیر دولتی و میزان تحصیلات می باشد، با توجه به اینکه تحصیلات آزمودنی ها به ۴ گروه تقسیم بندی شده است و از طرف دیگر متغیر مشارکت زنان در سازمانهای غیر دولتی از نوع فاصله ای می باشد جهت بررسی فرضیه شماره ۳ از آزمون تحلیل واریانس استفاده شده است بطوریکه اطلاعات بدست آمده از اجرای آزمون تحلیل واریانس نشان می دهد، سطح اعتبار حاصله از حداکثر مقدار قابل قبول برای تأیید فرضیه ($P = /0.01$) کوچکتر است ($0.05 < /0.01$) فلذا می توان نتیجه گرفت که فرضیه شماره ۳ تأیید می شود و به دیگر سخن بین میزان مشارکت زنان در سازمانهای غیر دولتی با توجه به سطح تحصیلات آنان تفاوت وجود دارد .

جدول شماره (۴) اطلاعات توصیفی مربوط به میزان مشارکت ۴ گروه از زنان در سازمانهای غیر دولتی

میانگین نگرش آنان	گروههای با توجه به تحصیلات
۳۶/۴	دیپلم
۳۹/۴	فوق دیپلم
۴۱/۹	لیسانس و بالاتر

جدول شماره (۵) اطلاعات توصیفی آزمون تحلیل واریانس مربوط به تفاوت بین مشارکت زنان در سازمانهای غیر دولتی

منبع تغییرات	مجموع مجذورات	میانگین مجذورات	مقدار f	سطح اعتبار
بین گروهی	۲۳۸۰/۱	۱۱۹۰/۰	۸/۶	/۰۰۱
درون گروهی	۵۰۳۳۴/۰	۱۳۷/۱		
کل	۵۲۷۱۴/۲			

برای بررسی محل تفاوتها از آزمون تعقیبی توکی استفاده شده است، اطلاعات مندرج در جدول شماره ۵ حاکی از این امر می باشد که بین میزان مشارکت زنان با توجه به مدرک تحصیلی در گروه زنان دیپلم با زنان لیسانس تفاوت معنی داری وجود دارد.

فرضیه شماره ۴: بین وضعیت اقتصادی زنان و میزان مشارکت آنان در سازمانهای غیر دولتی رابطه وجود دارد .

۴۳ بررسی عوامل اجتماعی موثر بر مشارکت زنان در سازمانهای غیردولتی

نتایج بدست آمده از اجرای آزمون همبستگی پیرسون در جدول زیر آورده شده است ، بطوریکه داده های مندرج در جدول یاد شده نشان می دهد میزان ضریب همبستگی بین دو متغیر یاد شده رقمی معادل با $R = ۰/۳۸۷$ است و سطح اعتبار حاصله برابر $p = ۰/۰۰۱$ می باشد فلذا با توجه به اینکه مقدار سطح اعتبار بدست آمده از مقدار $p = ۰/۰۰۵$ کوچکتر می باشد. لذا می توان نتیجه گرفت که فرض اصلی فرضیه شماره چهار تائید می شود به عبارت دیگر بین وضعیت اقتصادی زنان و میزان مشارکت آنان در سازمانهای غیر دولتی رابطه معنی داری وجود دارد .

جدول شماره (۶) اطلاعات توصیفی آزمون همبستگی پیرسون مربوط به رابطه بین وضعیت - اقتصادی زنان با مشارکت در سازمانهای غیر دولتی

شرح متغیر	میانگین	انحراف استاندارد	ضریب همبستگی	سطح اعتبار
مشارکت در سازمانهای غیر دولتی	۳۶	۱۸/۶	۰/۳۷۸	۰/۰۰۱
وضعیت اقتصادی	۳۶۲/۱	۱۰۹/۶		

فرضیه شماره پنج : بین میزان اعتماد به نفس و خودباوری زنان و میزان مشارکت آنان در سازمانهای غیر دولتی رابطه وجود دارد .

نتایج بدست آمده از اجرای آزمون همبستگی پیرسون در جدول زیر آنتشان می دهد، میزان ضریب همبستگی بین دو متغیر یاد شده رقمی معادل با $R = ۰/۴۵۳$ است و سطح اعتبار حاصله برابر با $p = ۰/۰۰۱$ می باشد. فلذا با توجه به اینکه مقدار سطح اعتبار بدست آمده از مقدار $p = ۰/۰۰۵$ کوچکتر می باشد لذا می توان نتیجه گرفت که فرض اصلی فرضیه شماره پنج تائید می شود به عبارت دیگر بین میزان اعتماد به نفس و خودباوری زنان و میزان مشارکت زنان در سازمانهای غیر دولتی رابطه معنی داری وجود دارد .

جدول شماره (۷) اطلاعات توصیفی آزمون همبستگی پیرسون مربوط به رابطه بین میزان اعتماد - به نفس با مشارکت در سازمانهای غیر دولتی

شرح متغیر	میانگین	انحراف استاندارد	ضریب همبستگی	سطح اعتبار
مشارکت در سازمانهای غیر دولتی	۳۶	۶/۱۸	۰/۴۵۳	۰/۰۰۱
میزان اعتماد به نفس و خودباوری	۳/۱۸			

نتیجه‌گیری

یکی از نتایجی که از تحقیق حاضر حاصل شد این است که بین روحیه مشارکت زنان و میزان مشارکت آنان در سازمانهای غیر دولتی رابطه وجود دارد. با توجه به اینکه در ارزیابی از میزان مشارکت زنان عوامل مختلفی مانند میزان مشارکت در مسائل خانوادگی و حل مشکلات مربوطه و همچنین مشارکت در روابط دوستانه و همسایگان دخالت داده شده است، فلذا افرادی که از نظر روحیه مشارکتی با استفاده از عوامل مطرح شده دارای روحیه مشارکت بالایی هستند مسلماً میزان مشارکت آنان در سازمانهای غیر دولتی نیز بالا می‌باشد چنانچه نتیجه نیز آن را نشان می‌دهد. در راستای یافته حاصله صفری طی تحقیقی که با عنوان بررسی عوامل فرهنگی و اجتماعی مؤثر بر میزان مشارکت اجتماعی زنان روستایی استان زنجان در سال ۱۳۸۱ انجام داده به این نتیجه رسیده که باورهای فرهنگی، روحیه مشارکت و گرایش به همکاری، بر مشارکت زنان روستایی مؤثر بوده است.

بین پایگاه اجتماعی زنان و میزان مشارکت آنان در سازمانهای غیر دولتی رابطه وجود ندارد، رابطه یاد شده با استفاده از آزمون همبستگی پیرسون مورد بررسی قرار گرفته است با توجه به اینکه زنان با پایگاه اجتماعی پائین نیز در مسائل اجتماعی و امور دیگر مشارکت می‌نمایند فلذا عدم وجود رابطه بین پایگاه اجتماعی زنان و میزان مشارکت آنان در سازمانهای غیر دولتی دور از انتظار نمی‌باشد به زبان دیگر عواملی مانند شغل زنان در میزان مشارکت آنان بی‌تاثیر یا کم‌تاثیر است. بین میزان مشارکت زنان در سازمانهای غیر دولتی با توجه به سطح تحصیلات زنان تفاوت وجود دارد. سواد در سطح آگاهی و شناخت زنان از مسائل اجتماعی و سیاسی و... بی‌تاثیر نمی‌باشد چراکه زنان با تحصیلات خود با سازمانهای غیر دولتی آشنا می‌شوند و به نحوی در یکی از سازمانهای غیر دولتی که به نحوی با علایق آنها همسویی دارد مشارکت می‌نمایند اما زنان کم‌سواد و یا بی‌سواد عمدتاً از اهداف وجودی سازمانهای غیر دولتی اطلاعات ندارند و یا اطلاعات خیلی کمی دارند فلذا نتیجه حاصل شده نشان می‌دهد که بین میزان مشارکت زنان در سازمانهای غیر دولتی با توجه به سطح تحصیلات زنان تفاوت وجود دارد.

در راستای نتیجه حاصل شده زیر کی‌نژاد در تحقیقی که با عنوان عوامل مؤثر بر مشارکت اجتماعی زنان در سال ۱۳۷۷ انجام داده است به این نتیجه رسیده که بین میزان تحصیلات با

مشارکت اجتماعی زنان رابطه معنی داری مشاهده شده است. همچنین در تحقیقی که با عنوان «ارزشها و نگرشهای ایرانیان» در زمستان سال ۱۳۸۲ زیر نظر وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی کشور انجام گرفت. نتایج به دست آمده حاکی از این است که بین میران تحصیلات متغیر مشارکت اجتماعی رابطه معنی داری مشاهده گردید.

بین وضعیت اقتصادی زنان و میزان مشارکت آنان در سازمانهای غیر دولتی رابطه وجود دارد. درآمد و وضعیت اقتصادی یکی از عواملی است که خواسته یا ناخواسته افراد را به مشارکت در امور اجتماعی و مشارکت در سازمانهای غیر دولتی ترغیب می نماید. چه بسا افراد با درآمد بالا در سازمانهای خیریه مشارکت می نمایند. یا با توجه به توان مالی در سازمانهای غیر دولتی فرهنگی و یا ورزشی مشارکت می نمایند

میرعابدینی تحقیقی را با عنوان مشارکت زنان در تعاونیهای روستایی به انجام رسانده و به نتایج زیر رسیده‌اند: - مشارکت زنان روستایی در تعاونیها سه جنبه اقتصادی، اجتماعی و مدیریتی و مدیریت قابل توضیح است. جنبه اقتصادی مشارکت به لحاظ رانت قیمتی کالاها و خدمات عرضه شده به اعضاء نسبت به دو جنبه دیگر ملموس تر است. به همین جهت در سالهای اخیر با توسعه سیاستهای خصوصی سازی و کاهش ارائه کالاها و خدمات فوق الذکر میزان مشارکت اقتصادی زنان در تعاونیها روند نزولی داشته است. - مشارکت مدیریتی زنان روستایی در تعاونیها عملاً برابر با صفر است. یعنی زنان هیچ نقشی در مدیریت تعاونیها ندارند. - از لحاظ اجتماعی نیز زنان روستایی مشارکت فعالی با تعاونیها ندارند. - از تلفیق سه بند فوق چنین بر می آید که زنان روستایی در مجموع مشارکت مؤثری در تعاونیها نداشته و میان کلی مشارکت آنان در تعاونیهای روستایی بدون اختلاف معنی داری برابر با صفر است. - مشارکت زنان در تعاونیهای روستایی در سطح شهرستانهای نمونه و حتی تعاونیها عملاً یکسان بوده است. میانگین سواد زنان روستایی بسیار پایین و در حد خواندن و نوشتن و تحصیلات دبستانی می باشد. این مسئله بر آگاهی زنان از تعاونیهای روستایی تأثیر مستقیمی می گذارد (میرعابدینی، ۱۳۷۶، ص ۲۸۱).

بین میزان اعتماد به نفس و خودباوری زنان و میزان مشارکت آنان در سازمانهای غیر دولتی رابطه وجود دارد. اعتماد به نفس موجب تقویت روحیه برای مشارکت در کلیه امور اعم از تحصیلاتی، مدیریتی و مشارکت در سازمانهایی غیر دولتی و قبول مسئولیتها یی در آنها می شود

نتایج تحقیقات انجام شده نیز نشانگر همین مسئله می باشد بطوریکه زیرکی نژاد در تحقیقی که با عنوان عوامل مؤثر بر مشارکت اجتماعی زنان به انجام رسانده به این نتیجه رسیده که بین عوامل سلطه نظام پدرسالاری، ارزشهای شایع اجتماعی، خودباوری با مشارکت اجتماعی زنان رابطه معنی داری مشاهده شده است.

منابع

- ابراهیم اسفراین ، علی. " احقاق حقوق زن ارتقای شان بشری ". **روزنامه آفتاب**. شماره ۵۹۱ آشتیانی، زهره. " مشکلات اجتماعی زنان ". **روزنامه یاس نو**. شماره ۱۸۵ ای برت ، ریچارد. "مشکلات نیروی کار زنان در مناطق شهری و روستایی چین" ترجمه حمید عبدالهی . **مجله جهان**. سال شانزدهم ، شماره ۱۸۹ بیرو ، آلن (۱۳۶۶). **فرهنگ علوم اجتماعی**. توحید باقر ساروخانی. تهران انتشارات کیهان، تقوی ، نعمت الله (۱۳۷۴). **جامعه شناسی خانواده**. تهران : انتشارات سمت ، توسلی، غلامعباس (۱۳۸۵). **نظریه های جامعه شناسی**. تهران : سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاهها سمت، حمیدیان ، به رام (۱۳۸۱). " شیوه های نهادینه شدن مشارکت معلمان ، مدیران دانش آموزان در آموزش و پرورش ". **فصلنامه مدیریت در آموزش و پرورش**. دوره ی هشتم ، شماره ۳۱ خاتمی ، سید محمد (۱۳۷۹). **زنان و جوانان**. تهران انتشارات طرح نو ، چاپ اول رضایی ، عبدالعلی (۱۳۷۵) . "مشارکت اجتماعی : وسیله یا هدف توسعه". **اطلاعات سیاسی - اقتصادی**. شماره ۱۰ ص ۱۰۹.
- رفیغ پور ، فرامرز (۱۳۸۱) . **کند و کاوها و پنداشتها**. تهران : شرکت سهامی انتشارات، روشه، گئی (۱۳۷۰). **کنش اجتماعی**. ترجمه هما زنجانی زاده. مشهد : انتشارات دانشگاه فردوسی مشهد، ریتزر، جورج (۱۳۸۰). **نظریه های جامعه شناسی در دوران معاصر**. ترجمه محسن ثلاثی. تهران : انتشارات علمی ، ساروخانی، باق (۱۳۷۵). **مقدمه ای بر جامعه شناسی خانواده**. تهران: انتشارات سروش، سرکار آرانی ، محمد (۱۳۷۹). "هنوز در ترسیم مبانی نظری مشارکت مشکل داریم". **روزنامه همشهری**. ۲۳ خرداد.
- سلیمی ، مرتضی (۱۳۸۰). "مشارکت و مدیریت مشارکتی در آموزش و پرورش ". **فصلنامه مدیریت در آموزش و پرورش**. دروه هشتم ، شماره ۳۱ شعاری نژاد ، علی اکبر (۱۳۶۴). **فرهنگ علوم رفتاری** . تهران: انتشارات دانشگاه تهران، شعاری نژاد ، علی اکبر (۱۳۶۴). **فرهنگ علوم رفتاری**. تهران : امیر کبیر ، صادقی، مریم . "سازمانهای غیردولتی در نگاه تطبیقی". **فصلنامه فقه و حقوق اسلامی**. شماره ۴۰

بررسی عوامل اجتماعی موثر بر مشارکت زنان در سازمانهای غیردولتی.....۴۷

- صفری شال ، رضا(۱۳۸۱). "عوامل فرهنگی و اجتماعی مؤثر بر میزان مشارکت زنان روستایی". طرح اداره کل فرهنگ و ارشاد اسلامی استان زنجان.
- طه، مهدیه؛ میرعابدینی، هومن(۱۳۷۵). "مشارکت زنان در تعاونیهای روستایی". استان مرکزی.
- طوسی، محمد علی(۱۳۷۵). **مشارکت در مدیریت و مالکیت**. تهران: مرکز آموزش مدیریت دولتی،
- علوی تبار، علیرضا(۱۳۷۹). **مشارکت در اداره امور شهرها**. جلد اول. تهران: انتشارات سازمان شهرداریهای کشور،
- عمادی ، محمد حسین(۱۳۸۰). "تسریع روند توسعه روستایی از طریق اولویت بخشی به زنان، مجموعه مقالات زن و مشارکت سیاسی و اجتماعی". تهران: انتشارات برگ زیتون،
- عمید ، حسن(۱۳۶۳). **فرهنگ فارسی عمید**. تهران: انتشارات امیر کبیر،
- قائم مقامی ، فرحت(۱۳۵۵). **آزادی یا اسارت زنان مقدمه ای بر جامعه شناسی زن**. تهران: انتشارات جاویدان،
- کوئن ، بروس(۱۳۷۸). **مبانی جامعه شناسی**. ترجمه غلامعباس توسلی. تهران: انتشارات دانشگاه تهران،
- گرت ، استفان(۱۳۸۰). **جامعه شناسی جنسیت**. ترجمه کتابیون بقایی. تهران: نشر دیگر،
- گلشن پژوه ، محمود رضا(۱۳۸۱). **راهنمای سازمانهای غیر دولتی مطالعات و تحقیقات بین المللی ابرار معاصر تهران**. تهران: انتشارات مؤسسه فرهنگی،
- گیدنز ، آنتونی(۱۳۷۶). **مبانی جامعه شناسی**. ترجمه منوچهر صبوری. تهران: نشرنی ،
- محسنی تبریزی، علیرضا(۱۳۷۵). "بیگانگی مانعی برای مشارکت و توسعه ملی". **نامه پژوهش**. سال اول، شماره ۱.
- محسنی، منوچهر(۱۳۷۵). **مقدمات جامعه شناسی**. تهران: انتشارات آگاه،
- مرکز امور مشارکت زنان (۱۳۸۱). **زنان، مشارکت و برنامه ریزی برای توسعه پایدار**. تهران: انتشارات نشر برگ زیتون،
- مشبکی، ابوالفضل(۱۳۷۷). "جایگاه نظام مشارکت در بهره وری سازمان". **فصلنامه علمی - کاربردی مدیریت دولتی**. شماره ۳۹
- ممتاز ، فریده(۱۳۸۰). "نظریه های جامعه شناسی". جزوه درسی ، دانشگاه شهید بهشتی تهران
- موکی یلی، رژه(۱۳۷۰). **پویایی گروه ها**. ترجمه فریدون وحید. مشهد: موسسه چاپ و انتشارات آستان قدس رضوی،

Horton, P.B...[et. Al](1972). **Sociology**. Tokyo: Mc Graw – Hill,
Gazeneuve, J(1976). **Dix grandes notions de la Sociologie**. Paris:
O'Brien...[et.al]. **Readings in General Sociology**. New York: Houghton Mifflin,
Rocher, G(1968). **Introduction ala Sociologie**. Paris: H.M.H,